

هیاھویی هیچ و پوچ بر سر پاره کردن عکس خمینی!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

تلویزیون حکومت اسلامی، روز ۱۶ آذر، هنگامی تصاویر پاره کردن عکس خمینی را پخش کرد و خواهان محاکمه «اھانت کنندگان» به عکس آیت الله خمینی شد که تظاهرات گسترده و پرشکوه روز دانشجو در دانشگاه ها و مردم معترض در حمایت از دانشجویان در خیابان ها، پایه های حکومت اسلامی را به لرزه درآورده بود.

نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، هفته ها قبل از ۱۶ آذر و روزهای پس از آن تاکنون، شبانه روز در حال آماده باش به سر می برند و با تهدید و دستگیری و زندانی کردن فعالین دانشجویی و آفریدن رعب و وحشت بیش تر تلاش می کنند خیزش اخیر مردم ایران و به ویژه جنبش دانشجویی را سرکوب و مرعوب کنند. اما هم سران حکومت اسلامی و هم مردم آزاده و آگاه ایران به خوبی می دانند که هیچ نیرویی نمی تواند وضع موجود در جامعه را به دوره قبل از ۲۲ خرداد ۸۸ برگرداند. نه خامنه ای و احمدی نژاد با همه نیروهای سرکوبگرشان و نه جناح رقیب شان از خاتمی تا موسوی و کروبی نمی توانند جلو پیشروی خیزش مردم و رادیکال شدن شعارها و خواست های آنان را بگیرند. یک جناح حکومت با سرکوب و وحشی گری و جناح دیگر با دعوت از مردم برای رعایت قوانین حکومتی و حفظ آرامش سعی دارند حکومت اسلامی را نجات دهند. در واقع هر دو جناح حکومت، هر کدام با روش و منش خودش خواهان بقای حکومت اسلامی است و به این معنی هر دو در مقابل مبارزه آزادی خواهانه و برابری طلبانه کارگران، زنان، دانش جویان و مردم محروم و تحت ستم دارند.

سران و ارگان های سرکوب حکومت اسلامی، در راه انداختن جنگ روانی در جامعه و طرح و اجرای سناریوهای سیاه و ضدانسانی در جهت انحراف افکار عمومی از واقعیت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با مسائل هیچ و پوچی هم چون پاره کردن عکس خمینی، خیره و کار کشته هستند. اما مردم نیز به این طرح ها و سناریوهای حکومت آشنایی دارند و راه خنثی کردن آن را نیز می دانند. از این رو، این بار نیز این سناریو را با شکست مواجه خواهند کرد.

باین ترتیب، سناریوسازان حکومت اسلامی، نمایش پاره کردن و آتش زدن تصویر خمینی را به صحنه آورده اند تا به زعم خود، مبارزات مردم را با این جار و جنجال ها به حاشیه برانند و هر چه بیش تر فضای تهدید و ترور و خفقان و سانسور را تشدید کنند.

سناریو از آن جا آغاز می شود که در تصاویر پخش شده از سوی تلویزیون حکومتی، پوستری پاره شده از آیت الله خمینی که بر روی زمین افتاده، نشان داده شده است. در گزارش تصویری دیگری که هم زمان بر روی سایت یوتیوب قرار گرفته نیز، چند نفر که تنها دست های آنان دیده می شود، در حال آتش زدن پوستر از خمینی هستند.

در هیچ کدام از این تصاویر، نشانه ای از آن دیده نمی شود که پوستر خمینی در متن تجمعات دانشجویان معترض پاره یا به آتش کشیده شود.

پس از این صحنه سازی ها، از رهبر تا رییس جمهور و امام جمعه ها، از فرماندهان نیروی انتظامی، سپاه، بسیج، نمایندگان اصولگرای مجلس و غیره وارد معرکه شده اند و شیون راه انداخته اند که به تمام «مقدسات شان» توهین شده است. در یکی از خبرها آمده است که یکی از آیت الله های سرشناس حکومتی، با دیدن صحنه های به آتش کشیدن و پاره کردن تصاویر خمینی و خامنه ای سکنه کرده و به بیمارستان منتقل شده است. امام جمعه ها، خطبه های نماز جمعه هفته گذشته خود را به این ماحرا اختصاص داده اند. دیدن و شنیدن این وقایع برای هر ناظر بیرونی آگاه، حیرت آور نیست.. زیرا سران و ارگان های حکومت اسلامی، همواره برای پیاده کردن طرح ها و سیاست های غیرانسانی خود به این صحنه سازی های کاذب متوسل می شوند.

اساسا صدا و سیما حکومت اسلامی، فیلم پاره کردن تصویر خمینی را با آب و تاب و با هدف تحریک انصار حزب الله و به اجرای درآوردن طرح های وحشیانه حکومت در جامعه، به نمایش درآورده است. در حالی که همین صدا و سیما، هرگز مهم ترین مسایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جاری در جامعه را که به نفع مردم باشد، پخش نکرده است. اما آتش زدن تصویر خمینی، کسی که اعمال ضدانسانی اش تداعی کننده اعمال ضدانسانی آدم کیشان تاریخ هم چون هیتلر و موسولینی و غیره است را با تبلیغات عوام فریبانه پخش می کند. سی سال است که این تلویزیون در خدمت سانسور و اختناق و سیاست های وحشیانه حکومت اسلامی قرار دارد.

کسانی که آرزو دارند وضعیت جامعه ایران، به دوره خمینی برگردد هر چند که چنین آرزویی تخیلی بیش نیست اما تداعی کننده وحشی گری های حکومت اسلامی در سال های اوایل انقلاب ۵۷ و سرکوب دستاوردهای این انقلاب با حمله به تجمعات زنان و اسید پاشیدن بر صورت آن ها، حمله به جلسات و تظاهرات های سازمان های سیاسی، حمله به دانشگاه ها، حمله به تشکل های دمکراتیک و سازمان ها و احزاب سیاسی، حمله به کتابفروشی ها و رسانه ها، حمله به ترکمن صحرا، حمله به کردستان، راه انداختن اعدام های دسته جمعی در هر کوی و برزن، ترور مخالفین در داخل و خارج کشور، پافشاری بر ادامه هشت سال جنگ خانمانسوز ایران و عراق، تبلیغ و ترویج تروریسم دولتی، قتل عام زندانیان سیاسی در ماه های اوایل انقلاب ۵۷، سال های ۶۰ تا ۶۲ و به ویژه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و غیره است. بنابراین، حکومت اسلامی در کلیت خود، حکومتی جانی، آدم کش، غارتگر و تروریست است. بنابراین، مردمی که در خیابان ها با شعارهای «مرگ بر

دیکتاتور»، «توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد» و غیره، عکس خامنه ای و احمدی نژاد را پایین می آورند و آتش می زنند نیازی به این دارند که تصاویر خمینی را نیز به آتش بکشند.

دست کم در حدود دو دهه نخست حکومت اسلامی، هر دو جناح اصلی حکومت در همه جنایات آن سهیم بودند و این تاریخ بربریت و تبه کاری خود را نمی توانند کتمان کنند. برای مثال، دانشجویان دانشگاه بابل و کرمان در دوره تبلیغات ریاست جمهوری از میرحسن موسوی در مورد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ سوال کردند که وی در آن دوره، نخست محبوب امام و قدرقدرت حکومت بود، طفره رفت. ابراهیم نبوی که در زمان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، یکی از مشاوران وزارت کشور بود، امسال در مقابل سئوالی در این مورد گفته است که آن هایی که اعدام شدند کمونیست ها بودند و باید اعدام می شدند. اکبر گنجی و محسن سازگارا، به دورانی که در سپاه پاسداران و ارگان های امنیتی بودند، هم چنان افتخار می کنند.

در چنین وضعیتی هر کدام از جناح ها، در حمایت از خمینی و سیاست های وحشیانه وی و در محکومیت پاره عکس او، با همدیگر مسابقه گذاشته اند و هر کدام سعی دارند این بار مردم را به حمایت از سیاست های خمینی و حکومت اسلامی به خیابان ها بیاورند تا در افکار عمومی جامعه ایران و جهان جنایات و وحشی گری های خود را توجیه و پرده پوشی کنند. در واقع سیاست های خمینی، خامنه ای، احمدی نژاد، خاتمی، موسوی و غیره هر چند که تفاوت هایی با هم دارند اما به لحاظ طبقاتی و در پایه ای ترین سطوح ایدئولوژیکی و سیاسی مواضع مشترک زیادی دارند. هر دو جناح حکومت اسلامی و سران آن ها، همگی خود را موظف به ادامه راه خمینی و مدافع قانون اساسی حکومت اسلامی و حفظ و تداوم حکومت اسلامی می دانند. در حالی که ریشه همه جنایات حکومت اسلامی، در سیاست های خمینی و قانون اساسی حکومت اسلامی و مهم تر از همه در ایدئولوژی خرافی اسلامی نهفته است. بر این اساس، مردمی که سی سال است زیر فشارهای اقتصادی، سرکوب های سیاسی، سانسور و اختناق حکومت اسلامی کمرشان خم شده است فقط و فقط به نیروی طبقاتی و همبستگی انسانی خود اتکا دارند.

اکنون همه نیروهای سرکوبگر و سران ریز و درشت حکومتی، دغدغه و نگرانی اصلی شان از رادیکال شدن شعارها و خواست های مردم جان به لب رسیده است. آن ها از گسترش اعتراضات مردمی و به ویژه از اعتراضات گسترده و سراسری ۱۶ آذر و پس از آن، به وحشت و تکاپو افتاده اند و نگرانند که مبادا کنترل اوضاع از دست شان خارج شود. این نگرانی را نه تنها جناح های درونی حکومت و خارج از آن، بلکه حتی از گرایش های راست اپوزیسیون مانند طیف توده ای - اکثریتی، جمهوری خواهان رنگارنگ و لیبرال ها، طیف های مختلف طرفدار سلطنت گرفته تا دولت های سرمایه داری غرب و تحلیل گران و مفسرین آن ها نیز به نوعی ابراز کرده اند و در رابطه با رادیکال شدن مبارزات مردم ایران و به ویژه دخالت جدی تر طبقه کارگر ایران در مسایل اقتصادی و سیاسی کشور، هشدار داده اند.

یکی دیگر از سناریوها، در میان این همه هیاهو و جنجال بر سر پاره کردن و آتش زدن عکس خمینی، اظهارات دادستان تهران است. وی، از بازداشت تعداد نامعلومی به اتهام اهانت به رهبران سابق و فعلی جمهوری اسلامی خبر داده است.

روز دوشنبه، ۲۳ آذر - ۱۴ دسامبر، عباس جعفری دولت آبادی، دادستان عمومی و انقلاب تهران، گفت که «تعدادی از اهانت کنندگان» به آیت الله روح الله خمینی و آیت الله علی خامنه ای بازداشت شده اند و ضابطان قضایی در حال تکمیل پرونده آنان برای ارسال به دادگاه هستند.

به گزارش خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا - دولت آبادی از افزایش شمار بازداشت شدگان اجتناب کرد و گفت که از آن جا که تحقیقات از این افراد ادامه دارد، تعداد متهمان پس از صدور کیفرخواست اعلام خواهد شد. وی در عین حال افزود که اتهام بازداشت شدگان محرز است و آنان به این اتهام اقرار کرده اند.

دادستان تهران افزود که مردم مطمئن باشند نسبت به کسانی که به حضرت امام و مسئولان ارشد نظام اهانت کرده اند هیچ اغمازی نخواهد شد.

وی وعده داد که دستگاه قضایی با سرعت و فاطمیت «اهانت کنندگان را به سزای اعمالشان خواهد رساند.» به گفته دادستان تهران، یکی از متهمان به اهانت به آیت الله خمینی و آیت الله خامنه ای «در همان روز بازداشت شد که اکنون در زندان است و قرار است این پرونده به سرعت تکمیل و به دادگاه ارسال شود» دولت آبادی مشخص نکرده که اتهام این فرد توهین به خمینی بوده است یا خامنه ای.

پرسیدنی است اگر واقعا دادستان تهران راست می گوید که «اهانت کنندگان» را دستگیر کرده اند چرا دم و دستگاه دولتی، هم چنان به جار و جنجال در این مورد ادامه می دهند؟ چرا هم چنان از تلویزیون حکومتی و دیگر رسانه های حکومتی گرفته تا خامنه ای، احمدی نژاد، امام جمعه ها، فرماندهان سپاه و بسیج، دادگاه های انقلاب، به مخالفین حکومت و مردم معترض و حتا رقبای خود در جناح دیگر حاکمیت، این همه خط و نشان می کشند و تهدید می کنند؟! این نوع اظهارنظرها مبهم و نشان ندادن چهره کسانی که عکس خمینی را پاره کرده اند و پخش آن از تلویزیون و رسانه های دیگر حکومتی، این سوء ظن را در جامعه به وجود می آورد که این هم یکی از سناریوهای سپاه و از پیش طراحی شده توسط سربازان «گمنام امام زمان» به رهبری سران حکومتی است.

مسلم است که صدا و سیما حکومت اسلامی، تنها یک رسانه دولتی نیست، بلکه این تلویزیون نیز هم چون روزنامه کیهان و غیره مستقیما با نهادهای امنیتی و سازمان دهندگان و طراحان اصلی سانسور و اختناق هماهنگ حرکت می کنند و رسما و علنا اعتراضات میلیون ها مردم در خیابان ها، تعطیلی روزنامه ها و زندانی کردن اهل مطبوعات و قلم، اعتراضات زنان، اعتراضات دانشجویان و هم چنین اعتصابات و اعتراضات کارگران را هرگز پخش نمی کند و دست در دست آدم کشان و سانسورچیان رسمی حکومتی به سانسور همه اخبار و گزارشات و غیره که به نفع مردم است، دست می زند.

روشن است که مردم معترض و آزادی خواه هم چون گذشته در این تظاهرات های احتمالی نیز نه با شعارهای دفاع از آرمان های ارتجاعی و غیرانسانی خمینی، بلکه با شعارهای انسانی و اجتماعی شرکت خواهند کرد و کنترل را از دست گردانندگان آن خارج خواهند نمود. شعارهایی هم چون «مرگ بر دیکتاتور»، «سانسور و اختناق لغو باید گردد»، «آزادی بیان و اندیشه برقرار باید گردد»، «شکنجه و اعدام لغو باید گردد»، «محاكمه علنی عاملین و آمرین جنایت علیه مردم»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد»، «دین از دولت و آموزش و پرورش جدا باید گردد»، «کارگران زنان دانشجویان اتحاد اتحاد»، «آپارتاید جنسی باید برچیده شود»، «زندگی همه کودکان کار باید تامین گردد» و غیره به مبارزه رهایی بخش خود تا سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، عادلانه و انسانی ادامه خواهند داد!

در حال حاضر مهم ترین اولویت مردم آزاده و به ویژه جنبش دانشجویی، سازمان دهی اعتراضات گسترده و سراسری برای آزادی زندانیان سیاسی، به ویژه آزادی همه دستگیرشدگان روز ۱۶ آذر و تاکید به محاكمه علنی عاملین و آمرین جنایت علیه مردم است نه شرکت در کارناوال هیچ و پوچ دفاع از سیاست ها و آرمان های یک جنایت کار تاریخی به نام روح الله خمینی!

بیست و چهارم آذر ۱۳۸۸ - پانزدهم دسامبر ۲۰۰۹